**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر الواحد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه بیست و نهم\_18آذر 1397**

سوالی که دیروز مطرح شد، این بود که آیا بین عموم تعلیل با مفهوم شرط یا مفهوم وصف، تعارضی هست یا نه؟ اگر تعارضی هست، تقدیم با جانب مفهوم است یا در جانب تعلیل.

دو مقام بحث است، مقام اول بحث این است که آیا اساسا آیه عمومی دارد که بتواند منطبق بر موضوع مفهوم(خبر عادل) باشد. موضوع منطوق خبر فاسق است. آیا تعلیل شامل اینجا هم می شود یا نه؟ ما تا به حال می خواستیم بگویم از تعلیل هم همان چیزی استفاده می شود که از مفهوم استفاده می شد. حال سوال این است یک کسی آمده است در تعلیل آیه دقت کرده است و می گوید کلمه جهالت در قرآن آمده است و جهالت هم قطب مقابل علم است. این تعلیل میخواهد بگوید هر آنچیزی که عن علمٍ نبود، فتصبحوا علی ما فعلتم نادمین، حجت و مُؤَمِّن دارید پس نه تنها از مفهوم تعلیلش حجیت خبر واحد استفاده نمی شود بلکه اساسا تعلیل میخواهد بگوید خبر عادل را هم باید تبین بکنید چون در تعلیل جهالت اخذ شده است و در جهالت فسق و عدل قدر مشترک دارد.

این نکته را که گفتیم این آیه را هم قائلین به حجیت خبر واحد سراغش آمده اند و هم قائلین به عدم حجیت خبر واحد. پس عجیب در آیه این است که هر دو گروه سراغ این آیه آمده اند. حال میخواهیم ببینیم حرف گروه دوم درست یا نه. یعنی بالاخره ما در آیه نگاهمان به این باشد که چون مفهوم شرط یا وصف دارد علی فرض، پس خبر واحد حجت است ، این را بگوییم؟ یا بگوییم نه اتفاقا از تعلیل استتفاده می شود که نه خبر فاسق حجت است و نه خبر عادل واحد. چون در هر دو هست ان تصیبوا قوا بجهالة فتصصبحوا علی ما فعلتم نادمین.

مرحوم محقق نائینی و مرحوم محقق خویی اعلی الله مقامه به تبع استاد خود اشکال را اینگونه جواب دادند که که گفت جهل در برابر علم است اتفاقا در قرآن کریم، جهالت در مقابل عقل است نه در مقابل علم. در روایات هم همین گونه است. جهالت در قرآن به معنای سفاهت است، عقل را خانه نشین کردن است، هوا و هوس را غالب کردن است،

إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهالَة

جاهل اساسا گناه نکرده است که بخواهد توبه کند، جاهل این جا به معنای سفاهت است.

اصل این اشکال این است که شما در خبر واحد هم علم ندارید، پس ان تصیبوا قوما بجهالة هست، جواب این است که که گفته است که جهالت در برابر علم است؟ جهالت به معنای سفاهت است. خبر فاسق را بدون تبین اخذ کردن مساوی است به سفاهت. اما خبر عادل را بلا تبین اخذ کردن سفاهت نیست و لو علم هم نباشد. پس این آیه دلالت بر عدم حجیت خبر واحد دیگر نمی کند.

آقای سیستانی در اصل اینکه در آیه کریمه جهالت به معنای علم نیست، با این حضرات موافق است. منتها آن دو بزرگوار میخواهند ازش دو نتیجه بگیرند و ان این است که خبر عادل تبین نمی خواهد و عدم تبین در خبر واحد سفاهت نیست، این را ایشان نمیپذیرد.

چون از شما سوال می کنم، آیا عادل که برای شما خبر آورد، اطمینان پیدا می کنید یا نه اطمینان پیدا نمی کنید؟ دو حالت که بیشتر ندارد، اگر عادل خبر آورد که فلان مطلب مهم پیش آمد اما شما به جهاتی به قرائنی ، قرائن معمولی را کنار هم چیدید و گفتید اشتباهی صورت گرفته و اطمینان حاصل نکردید. حال خبر واحد آمده است و شما هم اطمینان به آن پیدا نکردید، آیا به آن عمل می کنید؟ حتی مردم عادی هم وقتی اطمینان ندارند عمل نمی کنند. اما فی صورت حصول الاطمینان یا تبینی شده است یا نشده است. اگر هنوز تبین صورت نگرفته است باز هم این اطمینان ارزشی ندارد، این اطمینان ریشه عقلانی ندارد.

تنها چیزی که به درد می خورد اطمینان بعد از تبین است و الا بلا تبین اطمینان غلط است. بنابراین اگر اطمینان برای شما نیامده است، عمل به یک روایت مصداق ان تصیبوا قوما بجهالة است. جهالت در برابر عقل است ولی باز نیاز تبین هستیم چون محتاج اطمینان در قبول خبر هستیم.

تنها چیزی که می تواند اطمینان ما را به یک خبر سفهی نکند، اطمینان حاصل شده بعد از تبین است که خبر عادل یک مرحله را گذرانده است که خبر فاسق آن را نگذرانده است اما هنوز جای تبین هست. مهم برای ما حصول اطمینان است البته نه اطمینان انسان زود باور و نه این که بگوییم خبر واحد موضوعیت دارد ولی اطمینان هم حاصل نشود باز حجت است. سه گزینه است، اطمینان هم نداری به خبر عادل عمل کن که عین سفاهت است. از راه های غیر عقلائی اطمینان پیدا کردی باز هم سفاهت است. با تامل و تبین اطمینان پیدا کردی که این عقل است و سفاهت نیست. ولی معنایش این نیست که خبر واحد به صرف خبر واحد بودن دیگر حجت باشد و سفاهت نباشد.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین.